

## مبانی تحریم ربا در فقه اسلامی و جرم انگاری آن در حقوق موضوعه ایران

مریم شیریان نسل<sup>۱</sup>

دکتر جمال بیگی<sup>۲</sup>

### چکیده

مساله ربا و رباخواری به عنوان یک عمل ناپسند اجتماعی و اقتصادی، همیشه به نوعی مبتلابه تمام جوامع بوده است. در ایران نیز با گسترش رکود و تورم اقتصادی و افزایش این جرم در سطح اجتماع، قانونگذار در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آن را عملی مجرمانه و در خور مجازات دانسته است. با توجه به این که ربا موضوعی فقهی، حقوقی، اقتصادی و جرم شناختی است، پژوهش حاضر بر پایه آیات و روایات ناظر بر حرمت این فعل مجرمانه نگارش یافته و با پرداختن به مباحث فقهی، حقوقی و اقتصادی، مبانی حرمت و جرم انگاری این بزه را در ایران، مورد نقد و بررسی قرار داده است. روش این تحقیق، کتابخانه‌ای و ابزار مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات، آرای فقهای اسلامی، قوانین داخلی از جمله قانون مجازات اسلامی و قوانین مرتبط با بانکداری بدون ربا هست. از این رو پس از تعریف و واکاوی تاریخی مختصر ربا، حرمت و فلسفه تحریم آن در کتاب و سنت بیان شده و با هدف مرور مبانی تحریم و جرم انگاری ربا، به بیش فقهی فقهای اسلامی در باب تحریم ربا در عصر حاضر اشاره شده است.

**واژگان کلیدی:** ربا، تحریم ربا، جرم انگاری ربا، فقه اسلامی، حقوق موضوعه ایران.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق جزا، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲- استادیار گروه فقه و حقوق جزا، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول)

به آن مقدار اضافه یا سودی که از فروختن یک جنس مکمل و موزون در مقابل هم جنس خودش به بیش تر و زیادتر به دست می آید و نیز بهره ای که وام دهنده در قبال دادن پول یک جانبه، از وام گیرنده - با شرط حفظ پول اصلی بدون تحمل ضرر و زیان - می گیرد، ربا گفته می شود. (رضوی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵) اگرچه از کلمه ربا در زبان های مختلف، به تعبیر متفاوتی یاد می شود، ولی همه این کلمات به ظاهر گوناگون، در نوعی انحراف، زشتی و ستم، نقطه اشتراک دارند که موجب تنفر عموم مردم از رفتار ناشایست است. بی سبب نیست ربا - این ستم نفس گیر - که زندگی ربا دهنده را به نابودی می کشاند، در اصطلاح پزشکان عرب زبان به بیماری آسم اطلاق می شود. (دبس و دیگران، معجم مصطلحات العلم والتکنولو لوجیا، ج ۱، ص ۲۱۶، به نقل از نورائی، ۱۳۹۰)

ربا قدمتی به ازای تاریخ داشته و هم زمان با شکل گیری تمدن های اولیه و رواج معاملات بازرگانی پا به زندگی بشر گذاشته و بر حسب ماهیت خود، کارکرد نهادهایی را که برای استحکام روابط بشری به وجود آمده اند، مختل می نماید. رباخواری در میان ایرانیان رایج نبود، ولی باز پرداخت وام را امر واجب و مقدسی می شمردند. (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۴۲) در میان ایرانیان قدیم، برخلاف قوم یهود، رباخواری مذموم بوده است؛ لیکن باز پرداخت وام یکی از وظایف بزرگ به شمار می رفت و خودداری از پرداخت وام، در اوستا (کتاب مقدس زرتشتیان) از گناهان کبیره است. (رک: [www.isis-kh.com](http://www.isis-kh.com))

همان گونه که شدیدترین تعبیر قرآن در مورد مساله ربا است، شدیدترین لعن و نفرین در روایات نقل شده از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در خصوص ربا می باشد. مساله حرمت ربا، چیزی است که فقهای همه مذاهب اسلامی بر حرمت آن اجماع و اتفاق نظر دارند. به عقیده شیخ طوسی (ره) همه فقها و علما به حرمت ربا قائل هستند و صاحب جواهر الکلام فرموده است: «بحث در ربا است که از نظر قرآن و سنت و اجماع همه شیعیان، بلکه مسلمین حرام است. بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات و امور قطعی در دین باشد. پس هر کس آن را حلال شمارد در زمره کافران است.» (به نقل از علوی، ۱۳۷۹، صص ۳۹۶-۳۹۷) کما این که مرحوم امام خمینی (ره) در سخنی جامع در باب جایگاه و اهمیت ربا چنین اشاره می کنند: «حرام بودن ربا، به کتاب و سنت و اجماع همه مسلمانان، ثابت شده است، بلکه دور نیست که از ضروریات دین باشد و از گناهان کبیره.» (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۶)

عقل نیز ربا را ممنوع و حرام می داند. زیرا ربا از یک سو موجب تجمع نامشروع ثروت در دست رباخواران می شود و با تمرکز ثروت به ویژه هرگاه با ایمان و احساس مسئولیت همراه نباشد، عامل فساد و انحراف خواهد شد و از سوی دیگر میلیون ها انسان زحمت کش و مستمند که درآمدشان توسط رباخواران جذب می شود گرفتار فقر و فلاکت و اسارت خواهند گردید و این پدیده شوم بسیاری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی و در یک کلمه فساد را در همه زمینه ها با خود به همراه می آورد. (محمودی گلپایگانی، ۱۳۸۱، ص ۲۲) به عبارت دیگر، چون ملاک و مناط حرمت ربا اجحاف و بی عدالتی، اخذ مال بلاعوض و اکل مال به باطل است و چون از نظر عقل اجحاف و بی عدالتی و ظلم و تعدی محکوم است، ربا هم محکوم و مطرود است.

بررسی مقاله حاضر هم نشان می دهد که مفهوم ربا در اسلام و ملل و ادیان دیگر از یکدیگر فاصله چندانی ندارند. فلسفه تحریم و مبانی ذکر شده برای حرمت ربا نیز به طرز شگفت آوری به یکدیگر نزدیکند. دیدگاه های جدید اقتصاددانان مسلمان و بازرگاری در مقررات منع بهره در کشورهای اروپایی نیز این قرابت را بیش تر کرده است.

## ۱- پیشینه تحریم ربا در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران

در نظام کیفری ایران با توجه به این که جرم انگاری ربا بر پایه منابع فقهی از جمله آیات قرآنی و روایات اسلامی ناظر بر حرمت ربا صورت پذیرفته است. از این رو در این پژوهش، قبل از پرداختن به مبانی حرمت و جرم انگاری ربا، پیشینه تحریم ربا را در فقه اسلامی بررسی نموده و پس از آن به پیشینه جرم انگاری ربا در نظام کیفری ایران اشاره خواهیم نمود. چرا که واکاوی پیشینه ربا در مفهوم قرآنی ربا سودمند است. به همین سبب، برخی بر این باورند که اگر در آغاز قرض گرفتن، پرداخت سود شرط شود، حرام نیست؛ زیرا ربای رایج در زمان جاهلیت بدین صورت بود که نیازمندی وامی بدون سود می گرفت؛ طلبکار در هنگام ادای دین، چون ناتوانی بدهکار را مشاهده می کرد، در این زمان پول اضافه ای از او می گرفت و در عوض مهلت پرداخت را تمدید می کرد. (رشید رضا، ۱۴۰۶ه.ق، ص ۱۳۲)

### ۱-۱- تحریم ربا در فقه اسلامی

هر چند برخی از شرایطی که در فقه اسلامی برای تحقق حرمت ربا وجود دارد، در قوانین، باورها و دیگر ادیان دیده نمی شود؛ با وجود این، زشتی اصل رباخواری، ویژه باور اسلامی یا مخصوص علم فقه نیست. در اغلب ادیان، اخذ بهره در قراردادهای قرض ممنوع است.

در مذهب یهود، تورات اخذ ربا بین یهودیان را منع می کند، تلمود نیز موضع گیری شدیدی نسبت به ربا دارد. البته ناگفته نماند که یهودیان با این که از رباخواری به حکم تورات ممنوع بودند، به انواع حیل و بازی و کلاه سازی و تاویل پرداختند تا بتوانند با این مکر و حیلها بر گردن آرزو سوار شوند و چنان که می خواستند از این راه مال مردم را برابیند. (شهابی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۶)

در مسیحیت نیز حدود ۱۴۰۰ سال اخذ ربا ممنوع بود، لیکن به تدریج اخذ بهره فاحش موضوع ممنوعیت ها قرار گرفت، موضوعی که هم اکنون در قوانین برخی از کشورهای اروپایی نیز دیده می شود. (Lewis, ۲۰۰۱, p. ۱۸۶) بهره، همواره موقعیت دوگانه ای در حقوق کلیسا داشته است، در برخی متون ممنوع شده و با این وجود در عمل اغلب اعمال شده است. حقوقدانان کلیسای کاتولیک قرون وسطی، عقاید یونان و روم را درباره ربا در تعالیم مسیحیت پذیرفتند. بر این اساس، چارچوب حقوق کلیسا را برای کنترل گناه ربا طراحی کردند؛ اما مانند یونان و روم، ممنوعیت به طور کامل لحاظ نمی شد و با استثنائاتی مواجه بود. شاید شکل، مهم تر از محتوا بود. به هر حال، امروزه حقوق غربی عموماً نه اصل بهره، بلکه نرخ های فاحش بهره را ممنوع می کنند. (باقری و ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹) در مجموع از بررسی منابع دکتترین مسیحی درباره ربا شامل انجیل، احکام کلیسا و آثار مکتوب پدران و اصحاب مدرسی فلسفه یونانی، می توان دست کم به ده استدلال درباره تحریم ربا از طرف اصحاب کلیسا اشاره کرد که چون شباهت زیادی با مبانی تحریم ربا در اسلام دارد، از ذکر آن ها در این جا خودداری می گردد. (ر.ک: منظور و یادی پور، ۱۳۸۸، صص ۱۰۴-۱۰۱)

بر پایه منابع فقه اسلامی نیز هرچند برخی از مفسران با بررسی آیات مرتبط با ربا و شان نزول آن ها استدلال می کنند که اولاً بحث تحریم ربا به صورت دفعی بوده و ثانیاً بر فرض تدریجی بودن هم، تدریج در تشریح نبوده، بلکه تدریج در اجرای حکم بوده است. (ر.ک: موسویان، ۱۳۸۰) لیکن اکثر مفسران و محققان، تحریم ربا را همانند تحریم شراب خواری به صورت تدریجی می دانند. این افراد معتقدند: در عصر ظهور اسلام، ربا خواری در جزیره العرب چنان گسترده بود که امکان تحریم دفعی آن وجود نداشت، لذا خداوند متعال با فرستادن آیات مختلف از آغاز بعثت، ربا را مورد نكوهش قرار داد و به

تدریج زمینه تحریم قاطع و فراگیر آن را فراهم نمود. (ر.ک: همان) نظریه تدریجی بودن تحریم ربا را نخست، اسماعیل خلیل از علمای اهل سنت در سال ۱۳۲۶ قمری، ضمن سلسله درس‌هایی که در قاهره داشت بیان نمود. سپس دکتر محمد عبدالله آن را در کتاب «الربا فی نظر القانون الاسلامی» منتشر کرد و بعد از وی دانشوران فراوانی به تبعیت از او یا به تحقیق مستقل، این نظر را مطرح کردند. (برای مطالعه بیش تر ر.ک: مراغه‌ای، تفسیر مراغه‌ای، ج ۱، صص ۶۰-۵۹ / مکارم شیرازی و دیگران، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۴، موسویان، ۱۳۸۷، صص ۱۰-۸).

این گروه از علما همگی بر این باورند که تحریم ربا همانند تحریم شراب، طی مراحل طی به تدریج صورت گرفت. نخست به صورت موعظه و نصیحت، سپس تحریم جزئی و سرانجام به شکل قطعی و کلی تحریم شد. قائلین به نظریه تدریج، از جهت کم و کیف مساله، دیدگاه واحدی ندارند. (برای مطالعه بیش تر ر.ک: بیگی و شیریان نسل، ۱۳۹۲، صص ۶-۳).

## ۲-۱- جرم انگاری ربا و تحولات آن در ایران

قانونگذار در موارد مختلف به صورت موکد بر جرم بودن ربا اشاره نموده است. طبق اصول کلی حقوق، هرگاه داین طلب خود را مطالبه کرد و مدیون استنکاف نمود و علیرغم تعهد خویش، در موعد معین دین خود را ادا نکرد، بایستی نه تنها به داین خسارت بپردازد، بلکه شایسته است برای تخلف از این وظیفه حتی جریمه ای نیز به بیت المال بدهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۹ به صراحت در مورد ربا مقرر می‌دارد: دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود. رسیدگی و ثبوت شرعی دعاوی مربوط به ربا طبق دستورالعمل اجرائی قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴/۶/۴ شورای عالی قضایی به دادگاه های انقلاب اسلامی محول گردید.

متعاقب این امر شورای نگهبان در پاسخ سوال شورای عالی قضایی اعلام می‌دارد: مطالبه مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تاخیر تادیه چنانچه حضرت امام راحل (ره) نیز صریحا به این عبارت (آنچه به حساب دیرکرد تادیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است) اعلام نموده اند، جایز نیست و احکام صادره بر این مبنا شرعی نمی‌باشد، بنابراین مواد ۷۱۹ تا ۷۳۳ قانون آئین دادرسی مدنی (سابق) و سایر موادی که به طور متفرق احتمالا در قوانین در این رابطه موجود باشد، خلاف شرع انور است و قابل اجرا نیست. برخی معتقدند که متاسفانه این استنباط شورای نگهبان موجب گردیده است که بسیاری از بدهکاران از انجام تعهد خود در موعد مقرر استنکاف کرده و داین مجبور می‌شود برای احقاق حق خود به دادگستری متوسل شود و بعد از مدت های مدید دوندگی به همان اصل پول برسد و تنزل ارزش پول بر او تحمیل گردد. بدین نحو شورای نگهبان به تخلف از تعهد و متخلفان از وظیفه اخلاقی و شرعی و قانونی جایزه پرداخته است. (تابنده، ۱۳۷۴، ص ۵۶)

ناگفته نماند ماده ۲۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲ به صراحت بانک مرکزی را از انجام عملیات بانکی ربوی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر ممنوع نموده است. البته این که این قانون تا چه حدی در روابط بانکی اجرا می‌گردد، محل تامل و خود نیازمند بحث مفصل بوده و در این مقاله مجال بحث آن نمی‌باشد.

به هر تقدیر در امور کیفری جرم ربا به طور مشخص در قانون مجازات اسلامی پیش بینی نشده بود و غالباً از طریق قیاس مرتکبان رباخوار را قابل تعقیب و مجازات می دانستند، به نحوی که اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ این سؤال که آیا رباخواری جرم و قابل تعقیب و مجازات است؟ پاسخ می دهد که: با لحاظ قسمت اخیر ذیل ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری با عبارت « یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است»، رباخواری جرم است و دادگاه می تواند رباخوار را به مجازات مذکور در این ماده محکوم نماید.<sup>۱</sup> (شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۰) دادگاه ها نیز به استناد همین مقررات، هر چند در آن مجازاتی برای عمل رباخواری در نظر گرفته نشده بود، نسبت به اعمال مجازات های تعزیری قدام می نمودند که باید گفت از آن جا که در این قانون، مجازاتی برای رباخواری تعیین نگردیده بود و هم چنین تا آن زمان، ربا در هیچ یک از متون قانونی مدون، جرم انگاری نشده بود، مجازات چنین افرادی مخالف اصل قانونی بودن جرم و مجازات بوده است. (طیرانیان، ۱۳۷۶، ص ۸۰)

از آن جایی که حکم قیاس در حقوق کیفری اسلام پسندیده نیست، لذا قانونگذار در سال ۱۳۷۵ در صدد رفع این خلاء قانونی برآمده و در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر نمود: هرنوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آن ها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند.

## ۲- مبانی تحریم ربا و جرم انگاری آن در ایران

مبانی تحریم ربا و جرم انگاری آن را در ایران از حیث نظری می توان در سه بعد فقهی، اقتصادی و قانونی بررسی نمود که در ادامه مباحث، به تفکیک به این مبانی اشاره می شود.

### ۱-۲- مبانی فقهی

عمل رباخواری از جمله موضوع های فقه اسلامی است و جهت بررسی حرمت آن بایستی به ادله استنباط آن مراجعه کرد. بدین منظور ما مبانی فقهی تحریم ربا را به ترتیب در آیات، روایات و بینش فقهی فقهای اسلامی ذکر می نماییم.

#### ۲-۱-۱- آیات قرآنی ناظر بر تحریم ربا و مبانی حرمت آن

نزول آیات ربا در چندین مرحله بیانگر اهمیت و نیز سختی مبارزه با پدیده شایع و همه جانبه ربا در عصر پیامبر اکرم (ص) بوده است. البته پدیده ای که منحصر به عصر و زمان خاصی نیست و در همه زمان ها کم و بیش قابل رویت است. (غفوری چرخابی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳) آیاتی که در خصوص جرم ربا در قرآن کریم بیان شده اند عبارتند از:

« وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبَا لَّيْرُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْتَبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ »  
« مالی که به ربا می دهی تا در اموال مردم افزون شود بگو نزد خدا هیچ افزون نمی شود و مالی را که برای خشنودی خدا از بابت زکات می پردازای مضاعف می شود. (آیه ۳۹ سوره روم).»

۱- نظریه شماره ۷۷۱۱۳ مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا نکنید به افزون‌های پی در پی و از خدا بترسید تا رستگار شوید و بترسید از آتشی که برای کافران مهیا شده است و از خدا و رسول او اطاعت کنید تا مگر بر شما رحمت آرند. ( آیه های ۱۳۲-۱۳۰ سوره آل عمران ).

« الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ». آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر بر می‌خیزند که افسوس شیطان دیوانه شده باشند و این به کیفر آن است که گفتند: « ربا چون معامله است » در حالی که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است هر کس که موعظه خدا به او رسید و از ربا خواری باز ایستاد، خدا از گناهان پیشین او درگذرد و کارش به خدا واگذار می‌شود و آنان که بدان کار بازگردند اهل جهنمند و جاودانه در آن خواهند ماند. ( آیه ۲۵۷ سوره بقره ).

« يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ». خداوند ربا را بی برکت و بی نتیجه و صدقات را فزونی می‌بخشد و افراد ناسپاس و گناهکار را دوست ندارد. ( آیه ۲۷۶ سوره بقره ).

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و اگر ایمان آورده‌اید از ربا هر چه باقی مانده است رها کنید. ( آیه ۲۷۸ سوره بقره ).

« فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ». هر گاه چنین نکنید، بدانید که با خدا و رسول او به جنگ برخاسته‌اید و اگر توبه کنید، اصل سرمایه از آن شماست در این حال نه ستم کرده‌اید و نه تن به ستم داده‌اید. ( آیه ۲۷۹ سوره بقره ).

« فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدَّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ». به خاطر ظلمی که از یهود سرزد و به خاطر جلوگیری بسیاری از آن‌ها از راه خدا بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن‌ها حلال بود حرام کردیم و نیز به خاطر ربا گرفتن آنان در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم را به باطل و برای کافران آنان عذابی دردناک آماده نمودیم. ( آیه های ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نسا ).

با عنایت به آیات قرآنی فوق می‌توان اذعان داشت که فلسفه تحریم ربا به صورت کلی در قرآن آمده است که در این جا به اختصار به مهم‌ترین مبانی تحریم ربا در قرآن مجید اشاره می‌کنیم:

الف: ربا یک نوع جنون و دیوانگی می‌آورد، برخلاف بیع: « الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ». ( سوره بقره، آیه ۲۵۷ ) تا جایی که برخی بر این باورند که منظور این آیه، برخاستن دیوانه وار از قبرها از سوی رباخواران پس از مرگ نیست، بلکه بیانگر اختلال در شخصیت اجتماعی ربا خواران در همین دنیاست. ( طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۵۷۸-۵۷۱ / سبحانی تبریزی، ۱۳۸۱، صص ۱۳-۷ ).

ب: ربا موجب می‌گردد که خداوند اموال ربا خوار را بی برکت نماید و در مقابل اموال صدقه دهنده را افزایش دهد: « يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ ». ( سوره بقره، آیه ۲۷۶ ).

ج: ربا موجب این است که رباخوار محارب خدا و رسولش قرار بگیرد: « فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ». (سوره بقره، آیه ۲۷۹).

د: ربا موجب می‌شود که انسان ظالم محسوب گردد و عقوبت ظلم بر او وارد شود: « لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تُطْلَمُونَ ». (سوره بقره، آیه ۲۷۹).

## ۲-۱-۲- روایات اسلامی ناظر بر تحریم ربا و مبانی حرمت آن

از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیز روایت‌های متعددی با مضامین مختلف در زشتی و حرمت ربا نقل شده که به مهم‌ترین آن‌ها در راستای مبانی تحریم ربا بر پایه سنت اشاره می‌کنیم.

### روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص)

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند: شب معراج قومی را دیدم که ایشان را شکم‌های بزرگ بود، همچون خان‌ها و در راه آن فرعون افتاده و هر بامداد و شبانگاه آل فرعون ایشان را در زیر پا می‌گرفتند و می‌کوفتند. گفتم ای جبریل اینان کیانند؟ گفت این‌ها رباخواران هستند. پیامبر فرمود ربا ۷۰ باب دارد که کم‌ترین آن در نزد خدا زنا با مادر است. (مجلسی، ۱۳۸۳، ص ۴۲) پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: چهارکس را خداوند به بهشت نیاورد و از نعیم آن بر وی نبخشاید: شراب‌خوار، رباخوار، آن کس که مال یتیم را به ناحق خورد و آن کس که پدر و مادر از آن ناخشنود باشد. (شیروانی، بی تا، حدیث ۲۵۴) کما این که آن حضرت می‌فرماید: کسی که ربا بخورد خداوند شکمش را پر از آتش می‌کند و اگر از مال ربوی بخورد یاخیرات نماید یا اعمالی انجام دهد، مقبول واقع نمی‌شود و تا قیامتی از جنس کالای ربا پیش او است، دائم در لعنت خداوند و ملائکه است. (به نقل از ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲)

### روایات نقل شده از حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) فرمودند: خداوند بزرگ لعنت کند، ربا و رباخوار وکیل و فروشنده و نویسنده و شاهدان ربا را. (الحکم الزهراء، ص ۴۲) از آن حضرت نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: یا علی، همانا مردم در آینده به اموالشان امتحان می‌شوند، آنان حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس‌های فریبنده حلال می‌شمارند، پس شراب را به اسم آب انگور، رشوه را به اسم هدیه و ربا را به اسم خرید و فروش حلال می‌شمارند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

### روایات نقل شده از امام جعفر صادق (ع)

امام جعفر صادق (ع) در حدیثی برای گناهان کبیره ۷ مورد ذکر کرده‌اند: کشتن مومن به عمد، متهم ساختن زن پاکدامن، فرار از جهاد، خوردن مال یتیم، خوردن ربا و... (کلینی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۹) از آن حضرت نقل گردیده است که پیامبر (ص) در سفارش خود به حضرت علی (ع) فرمود: یا علی یک درهم ربا از نظر گناه و شدت عقوبت بزرگ‌تر از این است که کسی ۷۰ مرتبه با محرم خود در خانه کعبه زنا کند. (حرعاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۲۶) کما این که امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: ربای حرام عبارت است از این که فردی به دیگری قرض دهد و شرط کند که بیش‌تر از آن چه که برگرفته برگرداند که این همان ربای حرام است. (به نقل از محمودیان، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

## روایات نقل شده از امام کاظم (ع)

علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند که: از حضرت درباره مردی پرسیدم که به دیگری صد درهم قرض می‌دهد تا با آن کار کند و با وی شرط می‌کند ۵ درهم یا کم تر یا بیش تر به او بپردازد، آیا این حلال است؟ امام فرمود این همان ربای محض است. (به نقل از همان، ص ۱۸) در روایتی دیگری اسحاق بن عمار از امام موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند: از امام (ع) درباره مردی پرسیدند که مبلغی از یکی قرض گرفته، هر از چند گاهی مقداری از سود حاصل از به کار گیری آن پول را به قرض دهنده می‌دهد، از ترس این که مبدا قرضش را طلب کند، بدون این که بین آنان چنین شرطی بوده باشد. امام فرمود، مادامی که شرط و تعهدی در کار نباشد اشکالی ندارد. (به نقل از همان، ص ۱۸)

## روایت نقل شده از امام رضا (ع)

امام رضا (ع) می‌فرماید: بدان که خداوند ربا را حرام کرده و از کبائر گناهان است و از آن گناهی است که خداوند وعده عذاب در قرآن داده است و از زبان تمام انبیاء و در تمام کتاب‌های آسمانی حرام شمرده است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ه.ق، ص ۳۳۱)

با عنایت بر مضمون روایات فوق، تحریم ربا را می‌توان در چهار مبنا خلاصه نمود:

الف: فساد مالی: ربا موجب فساد اموال و از مصادیق عنوان اکل مال به باطل است که در قرآن کریم به طور مکرر از آن نهی شده است و خداوند فرموده: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ». هان ای گروه مومنان اموال خود را به باطل و ناروا بین خودتان نخورید (سوره نساء، آیه ۲۹) و نیز درباره قوم یهود فرموده: «وَ أَخَذِهِمُ الرَّبُّوَا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِینَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِیماً». و گرفتن آن‌ها ربا را در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن آنان اموال مردم را به باطل و برای کافران از آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم. (سوره نساء، آیه های ۱۶۱-۱۶۲) به هر حال ربا به خاطر این که سبب می‌شود شخصی مال دیگری را بدون کار و زحمت یا قرارداد معقول تصاحب کند و بی جهت از مال دیگری به طور نامشروع بهره مند می‌شود تحریم شده است.

ب: خودداری از کار خیر: یکی از علل تحریم ربا که از حدیث استنباط می‌شود این است که ربا سبب می‌گردد انسان‌ها از کار نیک و خدمت به دیگران و تعاون که به وسیله قرض الحسنه محقق می‌شود خودداری می‌کنند و روحیه سودجویی و دنیا پرستی بدون قید و شرط و نامشروع را در افراد تقویت می‌نماید. از این رو خداوند با تحریم ربا راه را برای تمایل انسان‌ها به کار خوب و خدمت به دیگران باز کرده و جلو سودجویی و منفعت طلبی نامشروع و غیر انسانی را گرفته است.

ج: فساد و ظلم به انسان‌ها: علت دیگری که از روایات برای تحریم ربا برداشت می‌کنیم این است که پدیده ربا موجب فساد جامعه و تضییع حقوق انسان‌ها و ظلم گسترده به آحاد جامعه است. زیرا در جامعه‌ای که ربا رایج شود قشر ربا خوار از دسترنج دیگران سود می‌برد و ثروت بادآورده‌ای در یکجا تراکم پیدا می‌کند. بنابراین از یک سو، تراکم ثروت برای شخص ربا خوار فاقد ایمان و ارزش‌های معنوی عامل فساد و گناه وارضای تمایلات افسار گسیخته حیوانی می‌شود و از سوی دیگر، عموم مردم که رباخوار از نتیجه کار آن‌ها سود نامشروع می‌برد گرفتار فقر اقتصادی و مشکلات مالی خواهند شد



که این خود نیز زمینه ساز انحراف و فساد در برخی از اقشار زحمتکش می‌شود. از این رو در جامعه بشری یک عامل مهم ظلم و فساد محسوب می‌شود، به همین جهت نیز شارع مقدس آن را تحریم نموده است.

د: نابودی ثروت و فنای اموال: یکی از مبانی حرمت ربا که در اخبار ذکر شده است این است که ربا موجب فنای اموال، فساد و نابودی ثروت می‌شود. این مطلب به دو معنی قابل تبیین و توضیح است: نخست این که از آن جا که ربا درآمد بسیاری از افراد جامعه را به طور ناروا به یک سو انباشته می‌کند و با تجمع آن در دست ربا خوار از چرخش اقتصادی در جامعه خارج می‌شود، عملاً بی نقش و خاصیت و نابود شده محسوب می‌شود و از سوی دیگر، رباخوار نیز چون این اموال را با زحمت و کار به دست نیاورده، با اسراف و تزیین خود آن را به نابودی می‌کشاند. دوم این که می‌دانیم هر حادثه و تحول در طبیعت به علل و عوامل بستگی دارد که سرنخ آن در عالم امر و ماوراءالطبیعه است و مدبرات امور آن را اداره می‌کند و به همین جهت است که صدقه موجب دفع بلا و افزایش عمر و نعمت الهی می‌شود و ربا موجب نابودی مال می‌گردد. (محمودی گلپایگانی، پیشین، صص ۲۹-۲۷) چنان که خداوند در قرآن کریم به این مطلب تصریح فرموده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ». خداوند ربا را محو و نابود می‌کند و صدقه در راه خدا و کمک به نیازمندان را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ کفران کننده کافر گناهکار را دوست نمی‌دارد. (سوره بقره، آیه ۲۷۶)

## ۲-۱-۳- بینش فقهی فقهای اسلامی در تحریم ربا

تحریم ربا در اسلام به خاطر ایجاد یک سیستم اقتصادی سالم و ثابتی است که سرمایه در آن، این نفوذ و قدرت و سیطره را نداشته است. (خسرو شاهی، ۱۳۴۳، ص ۲۹۳) از این رو، به طور قطع و یقین هیچ یک از علمای شیعه و سنی در حرمت ربا تردید نکرده‌اند و به این موضوع اشاره دارند. لذا مساله حرمت ربا، چیزی است که فقهای مذهب امامیه و همه فقهای مذاهب عامه بر حرمت آن اجماع و اتفاق نظر دارند. از این رو به اختصار به بیان مبانی بینش فقهی برخی از آن ها می‌پردازیم.

شیخ طوسی (ره) معتقدند: «و به قال جمیع الفقها و العلما» یعنی همه فقها و علما به حرمت ربا قائل هستند. به نظر شیخ طوسی حرمت ربا اجماعی است و روایت نموده که مردی از اهل خراسان بر حضرت باقر داخل شد که معامله ربوی می‌نموده و مال فراوان از ربا پیدا کرده بود، سپس از فقها پرسیده و همه گفته بودند خداوند عملی را از تو قبول نکند مگر این که همه سودهای ربوی را به صاحبانش برسانی، چون قصه‌اش را به حضرت عرض کرد، فرمود: راه خلاصی تو از قرآن است که می‌فرماید: «و موعظه و توبه است پس چون توبه کند ربا خوار جاهل، خداوند می‌آمرزد». (به نقل از معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۸).

صاحب جواهر الکلام فرموده است: «بحث در ربا است که از نظر قرآن و سنت و اجماع همه شیعیان بلکه مسلمین حرام است. بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات و امور قطعی در دین باشد. پس هر کس آن را حلال شمارد در زمره کافران است». (نجفی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۴) ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «علاوه از این که حرمت ربا به نص و اجماع ثابت است، ربا از بزرگ ترین گناهان کبیره می‌باشد و آن از هلاک کننده هاست». (همان).

مرحوم طبرسی در مجمع می‌فرماید: «منصوص از پیغمبر (ص) این است که زیاد گرفتن جنسی به جنس مثل خود ربا و حرام است در شش چیز: طلا و نقره، گندم، جو، خرما، نمک یا کشمش و این ها منصوصند و در غیر این ها نیز خلافی نیست نزد ما و نزد اهل سنت که فروختن جنسی نسبت به مثل جنس خود با زیادتی حرام است، در اجناسی که به پیمان یا به

وزن فروخته شود». (به نقل از علوی، ۱۳۳۸، صص ۳۹۷ - ۳۹۶) مرحوم طبرسی، علت حرمت ربا را ترک تجارت و مختل ماندن کسب و کار می‌داند. (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۱۸۲).

قطب‌الدین راوندی، علت حرمت ربا را همان چیزی دانسته که مرحوم طبرسی بیان فرموده‌اند و ایشان متمسک به روایت امام صادق (ع) شده‌اند که علت حرمت ربا را ترویج کار نیک می‌دانند. ایشان از دیگر عوامل حرمت ربا را مصلحتی می‌دانند که فقط خدا بدان آگاه است. (راوندی، ۱۳۶۴، صص ۴۷-۴۸).

علامه طباطبائی درباره علت حرمت ربا می‌فرماید: «اگر ربا حرام شده علتش این بوده که از روش صحیح زندگی خارج است و منافی با ایمان به خدا و ناسازگار با آن است و نیز یکی از مصادیق ظلم است». (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳۹).

**صاحب تفسیر کبیر** در مورد علت حرمت ربا چند وجه و دیدگاه را ذکر کرده است:

- ۱- در ربای معاملی حرمت به دلیل دریافت مال بلاعوض است.
- ۲- ربا خواری موجب ترک تجارت می‌شود و ربا خواران فعالیت‌های تولیدی را کنار می‌گذارند.
- ۳- ربا به ترک معروف منجر می‌شود. (به نقل از نوری کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵)

المراغی نیز مواردی را به عنوان علت حرمت ربا آورده است:

- ۱- رواج ربا باعث می‌شود که کار و زحمت، بی ارزش و سبک شمرده شود و تنبلی و تن‌پروری به عنوان ارزش در جامعه جا باز کند.
- ۲- ربا باعث تشدید دشمنی و درگیری شده و کارهای نیک و انسانی بر چیده می‌شود.
- ۳- ربا ظلم است... (به نقل از نوری کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵) کما این که منهای الصادقین نیز علت حرمت ربا را رفع ظلم می‌داند. (من وحی القرآن، ج ۲، ص ۳۴۰)

امام خمینی (ره) در باب تحریم ربا، بیانات گوناگونی دارند که در ذیل به اختصار به چند مبنا اشاره می‌کنیم:

الف: ربا موجب بیکاری عده‌ای رباخوار از صنعت و کار می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸۱)

ب: ربا موجب ظلم و بیکاری است. (همان، ص ۱۷۳)

ج: اصلاً بهره از پول یک امری است که بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت است، یک پولی آن جا گذاشته‌اند، بعد از این پول نه کاری، نه چیزی درآورند و بدترین انواع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ، خود پول که هست و در مقابل هیچ این بزیاید بهره بردارد. در اسلام، این البته به هر صورتش حرام است حتی این فرارهایی که بعضی جائز می‌دانند، این فرارها هم صحیح نیست. (همان، ص ۲۲۲)

د: در کم‌تر جایی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به او اهمیت داده شده باشد و او را مطرود کرده باشد و نکته‌اش هم این است که اگر ربا بگردد فعالیت کم می‌شود. از یک طرف ظلم است و از یک طرف بیکاری است. (همان، ص ۲۲۲).

ه: ربا موجب فساد در سطوح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود: ربا با این همه شدت و حدت راجع به حرمت آن در قرآن و سنت چه طور می‌شود با حیلہ شرعی درست شود. با توجه به این که نسبت آن با بقیه حرام‌ها بیش تر و موکدتر از آن پرهیز شده و با این که علمای متخصص گفته‌اند در آن فساد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وجود دارد. ( موسوی خمینی، ۱۴۱۰ه.ق، ص ۴۰۵ ) بنابراین ربا به خاطر این که دارای فلسفه‌ها و علت‌های بی شماری است و موجب فسادهای سیاسی، اخلاقی و اقتصادی است نباید در یک جامعه اسلامی شیوع و رواج داشته باشد. از این رو بر مسئولین نظام اسلامی فرض است که با طرح و برنامه‌ای صحیح، اقتصادی بدون ربا را پی ریزی کنند. ( به نقل از ابراهیمی، ۱۳۷۲، صص ۱۶۷-۱۶۶ )

**آیت الله ناصر مکارم شیرازی در کتاب ربا و بانکداری اسلامی، علل حرمت ربا را چنین محصور فرموده‌اند:**

- ۱- « ربا اکل مال به باطل است ». استناد ایشان آیه‌های ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء و روایت امام هشتم ( ع ) درباره فلسفه حرمت ربا بوده است.
- ۲- « ربا باز دارنده مردم در تلاش‌های اقتصادی است ». متمسک به منقوله هشام از امام صادق ( ع ) شده‌اند که می‌فرمودند: « شان چنین است که اگر ربا حلال می‌بود، مردم تجارت را ترک می‌کردند ».
- ۳- ربا باعث تضعیف عواطف انسانی است.
- ۴- ربا مصداق بارز ظلم می‌باشد. ( مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، صص ۴۵-۳۱ )

بر پایه بینش فقهی مرحوم استاد شهید مطهری نیز مهم ترین مبانی تحریم ربا عبارتند از:

الف: ربا مانع احسان و استفاده محتاجان از دیگران است. به این نکته در روایت اشاره شده بود که امام رضا ( ع ) فرموده بودند: « وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ الْقَرْضُ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ ».

ب: قطع رابطه ثروت و کار، کسی که منافع از پول می‌گیرد، ثروتی در اختیار می‌گیرد که کار نکرده است. در روایت اشاره شده است که « فَسَادِ الْأَمْوَالِ » ربا موجب فساد در مال است.

ج: ربا سبب می‌شود که صاحب پول کار نکند و قوای انسانی او معطل بماند و از این نظر رکود اقتصادی پیدا شود. این موضوع هم در روایت آمده بود که همان ترک تجارت و فعالیت اقتصادی بود.

د: ربا سبب می‌شود که طبقه مولد از بین برود، چون ربا اجتماع را به دو طبقه مولد و غیر مولد تقسیم می‌کند؛ یعنی، یک طبقه، آن چه تولید می‌کند باید به رباخوار بدهد که طبقه غیر مولد است و در نتیجه همیشه یک طبقه ضعیف و یکی قوی است.

ه: ربا یکی از شئون سرمایه داری است... چون یکی خودش کار می‌کند و یکی هم خودش و هم سرمایه‌اش، تدریجا تعادل اجتماعی به کلی به هم می‌خورد. این مطلب از این بابت درست است که اگر قائل باشیم که در جامعه باید تعادل و توازن باشد، در نتیجه باید برای آن برنامه داشته باشیم که یکی از آن برنامه‌ها، جلوگیری از ربا و قانون آن است و اگر جامعه سرمایه داری را بپذیریم این عدم تعادل، خودش یک حسن است و « این است که ربا عملا و واقعا دزدی است، پول نمی‌تواند پول بزیاید... ».

و: هر عملی که موجب لغای حکم و نقض غرض شارع مقدس شود باید از آن پرهیز نمود. شهید مطهری ضمن تایید این قاعده کلی با ذکر مثالی وجه تحریم ربا و حیل آن را مخالفت با غرض شارع می داند. ( برای مطالعه بیش تر ر.ک: مطهری، ۱۳۸۰، صص ۱۸۵-۱۶۳). آیت... نوری همدانی معتقدند: از نظر فقهی ربا به هر شکل حرام است و به همین دلیل خداوند در هفت قسمت از قرآن کریم به ربا و مسائل پیرامونی آن توجه کرده است. ( نوری همدانی، ۱۳۹۳، ص ۷). محمد باقر صدر در کتاب اقتصاد ما می نویسد: « ربا در قرض حرام است و آن قرض دادن به کسی است به طوری که مدیون متعهد به استرداد مال با اضافه ای، در موعد مقرر باشد. قرض در صورتی که در مقابل اضافه نباشد صحیح است و صاحب مال جز اصل مال حق دریافت هیچ گونه اضافه ای را ندارد، اگرچه ناچیز باشد». ( صدر، ۱۳۵۷، ص ۲۲۹). شهید بهشتی معتقد است: دو چیز سنگ بنای انحرافات در اقتصاد می باشند. آن دو عبارت از ربا و قیمت گذاری اجحافی می باشد ( حسینی بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۶۴) که البته ربا مهم تر است. زیرا اگر ربا را از دنیای سرمایه داری امروز حذف کنیم و تمام تجاوزات دیگر اقتصادی اش را بر سر جایش بگذاریم، شاید بیش از پنجاه درصد از نابسامانی ها، فقط با حذف ربا از بین می رود. ( همان، ص ۴۲) بر اساس آیه ۲۷۵ سوره بقره، برخی چنین استدلال کرده اند که ربا و بیع یکسان می باشند. در حالی که خداوند می فرماید بیع و ربا یکی نبوده، بیع حلال و ربا حرام می باشد. براین اساس، شهید بهشتی تلاش می کند تا بررسی کرده و آن دو را با یکدیگر مقایسه نماید.

از دیدگاه دکتر بهشتی، سه تفاوت میان ربا و بیع وجود دارد. اول این که در بیع سود به کار تعلق می گیرد، در حالی که در ربا سود به سرمایه تعلق گرفته است. دوم این که حتی بیعی که بر اساس سازوکار بازار آزاد منجر به قیمت های اجحافی می شوند نیز به دلیل این که ناشی از کار همراه با ریسک می باشد، باز با ربا که سود به سرمایه تعلق گرفته است متفاوت می باشد. سوم این که سود ربا با سود بیع از نظر میزان و نرخ رشد کاملاً متفاوت است. وی در جمع بندی نهایی خویش می آورد که: بیع زیرکانه غیرمنصفانه ای که حتی بتواند شبکه ای دنیایی به وجود آورد، سرعت و میدان گسترشش با گسترش ربا تفاوتی اساسی دارد و نمی توان این دو را با هم مقایسه کرد. ( برای مطالعه بیش تر ر.ک: همان، صص ۴۲-۳۱)

با توجه به آن چه گفته شد، می توان دریافت که اساساً فلسفه حرمت ربا در بین فقها و مفسران محل تشکیک و اختلاف است و این تشکیک ناشی از روایت های متعدده در این حوزه می باشد. اما آن چه بر هر متدینی مبرهن و واضح است این است که شارع مقدس بنا به هر دلیلی حرمت اخذ ربا را قایل شده است و گذشته از فلسفه حرمت، به قیاس اولی باید اهتمام هر فقیه و مفسری بر حرمت آن باشد.

### مبنای اقتصادی

از اساسی ترین بحث های مربوط به ربا، تجزیه و تحلیل فلسفه و علت حرمت آن است. یک بعد از این تحلیل را شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی تشکیل می دهد. عواملی همچون بی عدالتی، گسترش فاصله طبقاتی، افزایش نابرابری، تمرکز ثروت در دست معدودی از افراد جامعه و گسترش فعالیت سالم اقتصادی و دادن ارزش و اعتبار لازم به کار و تلاش و تولید سرمایه، شیوع و جلوگیری از ایجاد تنبلی در جامعه می توانند از عوامل موثر در تشریح حرمت ربا باشند. ( بصیرپور، ۱۳۹۲، ص ۱۴) ما در این قسمت در صدد تحلیل و بررسی پاره ای از آثار اقتصادی و فردی و اجتماعی ربا و به عبارت دیگر در مقام بررسی پاره ای از مضرات رباخواری هستیم که می توانند از جمله مبنای اقتصادی تحریم و جرم انگاری ربا تلقی شوند.

صاحب تفسیر نمونه در این باره می نویسد: « رباخواری تعادل اقتصادی را در جامعه به هم می زند و ثروت ها را در یک قطب اجتماعی جمع می کند. زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می برد و زیان های اقتصادی همه متوجه جمعی دیگری می گردد و اگر می شنویم فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان روز به روز بیش تر می گردد یک عامل آن همین است و به دنبال آن بروز جنگ های خونین است ». ( مکارم شیرازی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۹). براساس یک دیدگاه، ربا خواری موجب گسترش فاصله طبقاتی می شود و این شکاف همواره بزرگ و بزرگ تر می گردد. به عبارت دیگر، اصولا با ریزش جریان سود از طبقات پائین تر به طبقات ثروتمند تر و در نهایت عامل عمیق تر کردن شکاف اقتصادی بین اغنیا و فقرا در یک جامعه است. ( ر.ک: نوری کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵ ) براساس این دیدگاه، رباخواران بدون انجام دادن هیچ گونه کارمفیدی، سود تضمین شده دریافت می کنند. در مقابل، بدهکاران به دلیل پرداخت بهره سنگین هر روز وضع بدتری پیدا می کنند. ( همان، ص ۱۱۵)

اما دیدگاه دیگر مخالف این استدلال است و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی را تنها در قرض های ضروری همانند قرض های صدراسلام و نه در قرض های تولیدی صحیح می داند، اما در شرایط فعلی که قرض های دریافتی، تولیدی هستند و دریافت کنندگان آن ها سرمایه داران و پرداخت کنندگان طبقات پائین اجتماع اند، وام های با بهره نه تنها موجب تشدید اختلاف طبقاتی نمی شود، بلکه فاصله طبقاتی را کاهش می دهد و جامعه را به سوی برابری بیش تر هدایت می کند. ( همان، ص ۱۱۶ ) ولی در عمل در غیر از سیستم بانکی افراد پولداری هستند که به وسیله ربا با دادن آن برای خود منافع سرشاری جلب می کنند و هدف قانونگذار هم از تصویب ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی بیش تر مبارزه با این گونه رباخواران است نه بانک های دولتی.

منطق قرآن ایجاب می کند که اموال در دست عده معدود در گردش نباشد ( کَیْ لَّا یَكُونَ دُولَةً بَیْنَ الْأَعْیَآءِ مِنْكُمْ؛ سوره حشر، آیه ۷ ) و نبض جامعه را از نظر اقتصادی در دست نداشته باشند که یکی از عوامل عدم ثبات بازار ایران بدون سرمایه در دست عده خاص است و برای جلوگیری از آن مبارزه با رباخواری به صورت گسترده یکی از راه های آن است، چرا که در هر حال یکی از علل تحریم ربای قرضی، گسترش فقر و تمرکز ثروت در دست عده خاص می باشد. در طول تاریخ رباخواری برای ملت ها مصیبت های جانکاهی به وجود آورده، موجب استثمار و استعمار آن ها شده و اجتماعشان را به دو قطب متضاد تقسیم کرده، عامل تراکم عظیم ثروت در طبقه خاص و توسعه فقر و گرسنگی روز افزون توده های محروم شده است.

رباخواری باعث می شود طلبکار بدون این که فعالیت اقتصادی مفیدی انجام دهد از درآمد بالایی برخوردار شود. این کار از نظر اقتصادی به ضرر جامعه است و ربا بستری می شود برای تن پروری، تبلی و مفتخوری و عده ای از افراد جامعه بدون این که استعداد و نیروی خود را به کار اندازند و احساس نیاز به کار کردن داشته باشند، با پولی که از راه ربا به دست می آورند، از امکانات و تولیدات جامعه استفاده می کنند، یعنی ربا بستری می شود برای رشد بیکاری، کندی تجارت و پدیداری رکود اقتصادی. ربا باعث کاهش قدرت خرید رباپردازان می شود و مصرف آنان را به حداقل ممکن خود می رساند و این باعث رکود اقتصادی می شود .

در روایتی چنین می‌خوانیم: « خداوند ربا را بر این علت حرام کرد که مردم از کارهای حرام به کارهای حلال و داد و ستد روی آورند، اگر ربا حلال می‌شد مردم از داد و ستد و کارهای که بدون نیازمند بودند دست می‌کشیدند»<sup>۱</sup> از این حدیث شریف استفاده می‌شود که روی آوردن به ربا و رباخواری باعث تعطیل فعالیت های سالم اقتصادی از جمله داد و ستد می‌شود و برای این که بازار مسلمین به فعالیت سالم اقتصادی سوق داده شود اسلام ربا را تحریم کرده است.

اسلام به کار و تلاش و تحصیل روزی حلال ارزش و اعتبار بیش تری قایل شده است تا جایی که کار کردن را در ردیف جهاد در راه خدا بلکه بالاتر از آن می‌داند و آن را از عبادات شمرده و پیشه انبیاء می‌داند. (قرشی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۹) اسلام سستی و تبلی را مکروه و بیکاری را حرام می‌داند و نسبت به شخص بیکار غضب می‌کند.

امام ششم علیه السلام روش نیاکان خود را نسبت به کار و کوشش و کسب و تجارت برای اصحاب خود تعریف کرده و می‌فرماید: « در طلب روزی خود سستی نوزید، زیرا نیاکان ما در راه تحصیل روزی تلاش کرده و آن را طلب می‌کردند » (به نقل از همان، ص ۱۲۹) و ترویج و شیوع رباخواری در جامعه باعث رکود بازار کار و تلاش شده و پول داران را به سستی در کار و تبلی می‌کشاند و به همین دلیل است که پاره ای از مفسرین در باب فلسفه حرمت ربا به تعطیل تجارت و رکود فعالیت های اقتصادی سالم اشاره می‌کنند. (به نقل از موسایی، ۱۳۷۷، ص ۱۵)

قرض دادن که در اسلام بدان توصیه شده و در حق آن آیه نازل شده، اگر ربا خواری رواج پیدا کند باعث تعطیلی این نهاد اسلامی می‌شود و دیگر کسی حاضر نمی‌شود پول خود را بدون بهره در اختیار نیازمندان قرار دهد. در حالی که هستند کسانی که بر پول او سود و بهره‌ها می‌پردازند. این تعطیلی قرض الحسنه نکته ای است که در لسان معصومین علیهم السلام به وضوح وارد شده است و مفسرینی همچون طبرسی در تحریم ربا بدان اشاره کرده اند. (به نقل از همان، ص ۱۵) در ابواب ربایی کتاب وسائل الشیعه روایات متعددی علت حرمت ربا را از بین رفتن معروف (قرض بدون ربا) و امتناع مردم از کارهای پسندیده بیان می‌کند که ما تنها به یک روایت اشاره می‌کنیم.

هشام بن سالم از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: خداوند عزوجل ربا را برای این حرام کرد که تا مردم از انجام کارهای معروف (که یکی از آن کارها قرض بدون ریاست) امتناع نکنند. لذا رواج و شیوع رباخواری کارهای پسندیده انسانی نظیر انفاق و صدقه و قرض دادن را از بین می‌برد و کسانی که تمکن مالی دارند تنها به سود و رباگیری می‌اندیشند و این هم یکی از مضرات اقتصادی رباخواری در بین مسلمانان است.

رباخواری از نظر اخلاقی اثر فوق العاده بدی در روحیه وام گیرنده به جای می‌گذارد و کینه او را در دل خودش می‌یابد و پیوند تعاون و همکاری اجتماعی را بین افراد و ملت‌ها سست می‌کند. (مجتهدی شبستری، ۱۳۴۶، صص ۳۲-۳۰) همان اندازه که قرض الحسنه روابط عاطفی را در جامعه رشد می‌دهد و زمینه را برای همکاری‌ها و همیاری‌های متقابل فراهم می‌کند، رباخواری به دشمنی، کینه و حس انتقام جویی دامن می‌زند. فقر و فلاکتی که از رباخواری ناشی می‌شود تبدیل به عقده شده در هر فرصتی مشتعل می‌گردد.

<sup>۱</sup> « عن هشام بن الحكم أنه سأل أبا عبد الله عن علة تحريم الربا، فقال: أنه لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه فحرم الله الربا لتنفّر الناس من الحرام الى الحلال و الى التجارات من البيع و الشرا ».

بسیاری از اغتشاش ها و ناآرامی های اجتماعی، ریشه در اختلافات طبقاتی و اجحاف توان فرسای سرمایه داران دارد. (نوری کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹) از این رو، ایجاد کینه و عقده یکی دیگر از آثار اقتصادی منفی ربا در جامعه است.

به هر حال دلیلی بر منحصر بودن ملاک حرمت ربا در مفاسدی که بر آن در اقتصاد سنتی ربا می شود نه در اقتصاد مدرن، نداریم تا از آن نتیجه گرفته شود که حرمت ربا مخصوص اقتصاد سنتی است و اقتصاد مدرن از این حرمت مستثنا است، بلکه می تواند یکی از ملاک های حرمت ربا این باشد که در ربا ذات پول بدون هیچ فعالیت علمی موجب سود شده، به خلاف مضاربه یا تجارت و شبه آن و این ملاک نسبتش به اقتصاد سنتی و اقتصاد مدرن یکسان است، احتمال این مطلب برای تمسک به اطلاق دلیل حرمت کافی است. (حائری، گرامی و مددی، ۱۳۷۷، ص ۲۷)

از این رو، حذف ربا از اقتصاد ایران، مهم ترین و در عین حال دشوارترین مساله در موضع اقتصادی اسلام است. اهمیت این مطلب از آن جاست که بر یک فلسفه ممتاز اجتماعی - اقتصادی دلالت دارد که انزجار خود را از هر شکل استثمار اجتماعی از طریق روابط نامتعادل و غیرعادلانه، اعلام می کند. دشواری مساله در این است که حذف ربا نه تنها نشانه ای از بازسازی سیستم مالی، بلکه بیانگر بازآفرینی بنیانی کل سیستم اقتصادی است. (موسویان، ۱۳۷۶، ص ۹۶).

## ۲-۲- مبانی قانونی

ربا در قوانین ایران پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به تبع فقه امامیه، عنوان مجرمانه به خود گرفته است و دادن و گرفتن ربا جرم شناخته شده و مجازات معینی برای آن در نظر گرفته شده است. در ضمن به خلاف قوانین قبل از انقلاب، حیل گریز از ربا هم تا حدودی در این قوانین عقیم مانده اند.

در بند ۵ از اصل ۴۳ قانون اساسی، به ممنوع بودن ربا و ناروا تلقی شدن ثروت ناشی از اخذ ربا تصریح شده است. اصل ۴۹ قانون اساسی هم اخذ ثروت های ناشی از ربا و استرداد آن به صاحب حق یا بیت المال را از جمله وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است.

ماده ۲۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب سال ۱۳۶۲، به صراحت بانک مرکزی را از انجام عملیات بانکی ربوی با هر یک از بانک ها و نیز بانک ها با یکدیگر ممنوع نموده است. در نهایت به عنوان مبانی قانونی جرم ربا، بایستی به حکم پیش بینی شده در ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ اشاره نمود که برابر آن مرتکبان ربا اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آن ها به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند.

از تلاش های دیگر قانونگذار در جهت مقابله با ربا خواری می توان به حکم پیش بینی شده در تبصره ماده ۷ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد. چرا که به موجب این تبصره، مجازات های بزه صدور چک بلامحل، شامل چک های بلامحل صادره بابت بهره ربوی نمی شود. (نورائی، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

## نتیجه گیری و پیشنهادها

ربا از گناهان بسیار بزرگی است که به صراحت و به شدت در تمام ادیان آسمانی تحریم شده است. در اسلام نیز این رفتار از مهم ترین گناهان کبیره شمرده شده و در آیات متعددی از قرآن کریم مورد نکوهش قرار گرفته و پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیز ضمن روایاتی با بیان زشتی این کردار، مسلمانان را از این عمل نهی کرده اند. عقل ربا را ممنوع و حرام می‌داند. زیرا ربا از یک سو موجب تجمع نامشروع ثروت در دست رباخواران می‌شود و با تمرکز ثروت به ویژه هر گاه با ایمان و احساس مسئولیت همراه نباشد، عامل فساد و انحراف خواهد شد. اجماع دانشمندان و فقها نیز دلیل دیگری بر حرمت ربا است. به طور قطع و یقین هیچ یک از علمای شیعه و سنی در حرمت ربا تردید نکرده‌اند.

بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت که ربا در منابع استنباط دین اسلام کاملاً مذموم و حرام شمرده شده و بنا به مصالح مختلفی، در فقه اسلامی حکم به حرمت آن شده است. لیکن فلسفه تحریم آن در دین مبین اسلام در بین علما، فقها و مفسران محل اختلاف می‌باشد. با تامل در ادله حرمت ربا، دست کم می‌توان امور ذیل را در تبیین فلسفه تحریم ربا برشمرد:

۱. ربا اکل مال به باطل است
۲. مصداق بارز ظلم است
۳. جامعه را از تلاش‌های اقتصادی سازنده باز می‌دارد
۴. تضعیف کننده عواطف انسانی است.

در حقوق موضوعه ایران نیز قبل از انقلاب نه تنها هیچ‌گونه اقدامی جهت مبارزه با این پدیده شوم انجام نگرفته بود، بلکه از مطالعه سطحی برخی قوانین، رایحه تجویز ربا استشمام می‌شد. لیکن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در برخی قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، این پدیده شوم غیرقانونی شناخته شده است و برای هر یک از طرفین ربا و واسطه بین آن‌ها، مجازات در نظر گرفته شده است و این نوع نگرش در قوانین موضوعه ایران، برگرفته از قوانین الهی دین مبین اسلام به ویژه فقه امامیه می‌باشد. ناگفته نماند که رباخواری به اندازه ای مهم بوده که تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ آن را مدنظر قرارداد و در اصل ۴۹ مبارزه با آن را از وظایف دولت برشمرده‌اند. آوردن مساله ربا در قانون اساسی خود می‌تواند اشعاری براهمیت مبارزه با آن باشد. اگر به دید جرم شناسانه به ربا نگرسته شود می‌توان ادعا کرد که رباخواری عامل مهمی از عوامل جرم و منشا جرایم متعددی همچون ضرب و جرح، قتل، مفاسد اجتماعی و اقتصادی و ناامنی در جامعه است.

بی تردید مباحث این مقاله، با توجه به شرایط اقتصادی کنونی مثل گسترش مبادلات تجاری بین کشورهای مختلف، رشد مفاهیمی مثل خسارت تاخیر تادیه، افزایش تورم و قابل محاسبه بودن آن و ایجاد موسسه های مالی و اعتباری جدید مثل بانک ها و ارایه انواع تسهیلات به مردم، ابعاد و گستره تازه ای یافته است. بر این اساس، واکاوی در مبانی حرمت و جرم انگاری ربا در پرتو آموزه های دینی و بینش فقهی فقها، حقوقدانان و اقتصاد دانان معاصر برای جهت صحیح دادن بر متولیان سیاست جنایی ایران در حوزه اقتصاد که مبتنی بر منع ربا می باشد، کاملاً ضروری است.



## فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱- کتاب ها
- ۱- ابراهیمی، محمد حسین، ۱۳۷۲، ربا و قرض در اسلام، قم، نشر فروردین.
- ۲- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ربا، چ اول، قم، بوستان کتاب.
- ۳- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۵، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، چ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- ۴- حسینی بهشتی، سید محمد، ۱۳۸۷، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، چ دوم، تهران، نشر بقیعه.
- ۵- راوندی، قطب الدین، ۱۳۶۴، فقه القرآن، قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
- ۶- رشید رضا، محمد، ۱۴۰۶ ه. ق، الربا المعاملات فی الاسلام، چ اول، بیروت، دارابن زیدون.
- ۷- رضوی، سید جلال، ۱۳۸۵، قرض الحسنه و ربا، قم، سوم شعبان.
- ۸- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش ( ۱۳۷۷ )، نظرهای اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری، ج ۱، چ دوم، تهران، روزنامه رسمی کشور.
- ۹- شیروانی، علی، نهج الفصامه - کلمات قصار حضرت محمد ( ص )، قم، انتشارات دارالفکر، بی تا.
- ۱۰- صدر، سید محمد باقر، ۱۳۵۷، اقتصاد ما یا بررسی های مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، ج ۲، چ دوم، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۳، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، ج ۲، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۵۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، ج ۳، تهران، نشر ناصر خسرو.
- ۱۳- طیرانیان، علیرضا، ۱۳۷۶، بررسی ربا در مقررات کیفری ایران، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر منوچهر خزانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۴- علوی، سید محمود، ۱۳۷۹، ربا و اسلام، چ اول، مشهد، نشر توس.
- ۱۵- قرشی، شریف، ۱۳۶۶، کار و حقوق کارگر، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۲، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، ج ۳، چ دوم، تهران، انتشارات اسوه.
- ۱۷- مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۴۶، رباخواری یا ظالمانه ترین استعمار اقتصادی، چ اول، قم، چاپخانه حکمت.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۳، حلیه المتقین، چ ۸۶، اصفهان، انتشارات نقش نگین.
- ۱۹- محمودی گلپایگانی، سید محمد، ۱۳۸۱، مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، مساله ربا و بانک به ضمیمه بیمه، چ یازدهم، قم، انتشارات صدرا.
- ۲۱- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۸، گنجینه استفتانات قضایی (نرم افزار)، قم.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، قم، هدف.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۲۴- موسایی، میثم، ۱۳۷۷، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی (باتوجه به روابط اقتصادی معاصر)، چ دوم، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۲۵- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، صحیفه نور، ج ۶، ۱۲ و ۱۸، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲۶- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، ۱۴۱۰ ه.ق، کتاب البیع، ج ۲، چ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۲۷- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، تحریرالوسیله، ج ۱، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چ سوم، قم، نشر دارالعلم، بی تا.
- ۲۸- موسویان، سید عباس، ۱۳۷۶، پس انداز و سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۹- نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۵، جواهر الکلام، ج ۲۳، چ هشتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۰- نورائی، یوسف، ۱۳۹۰، جرم ربا از منظر فقه و حقوق، چ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳۱- نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۷، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، چ اول، بیروت، موسسه آل البیت علیهم السلام، لاحیاء التراث.
- ۳۲- نوری کرمانی، محمد امیر، ۱۳۸۱، موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان، بوستان کتاب قم.

۲- مقاله ها

۳۳- باقری، محمود و ابراهیمی، مریم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، مطالعه تطبیقی منع ربا در حقوق کشورهای اسلامی و

کشورهای اروپایی، فصل نامه علمی و پژوهشی دانش حقوق مدنی، ش ۲.

۳۴- بصیرپور، قدیر، آذر ماه ۱۳۹۲، حرمت ربا در اسلام و آثار آن در جامعه امروزی، همایش قرآن و علوم روز ( ۲ )،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

۳۵- بیگی، جمال و شیریان نسل، مریم، آذر ماه ۱۳۹۲، مبانی حرام انگاری ربا در آموزه های قرآنی و روایی بانگشری اجمالی برینش

فقهی امام خمینی (ره) و استاد مطهری، همایش قرآن و علوم روز ( ۲ )، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

۳۶- تابنده، نور علی، ۱۳۷۴، خسارت تاخیر تادیه، ربا، مقالات حقوقی در جرایم و مطبوعات، کاری از واحد بررسی

مطبوعات روابط عمومی وزارت دادگستری.

۳۷- حایری، سید کاظم، گرامی، محمد علی، مددی، سید احمد، بهار ۱۳۷۷، ربا ( مصاحبه )، نامه مفید، ش ۱۳.

۳۸- خسرو شاهی، سید هادی، دی ۱۳۴۳، ربا و رباخواری، مجله معارف جعفری، ش ۲.

۳۹- سبحانی تبریزی، جعفر، فروردین ۱۳۸۱، رباخواران، بی تعادل هایی همچون دیوانگان، مجله درس هایی از مکتب

اسلام، سال ۴۲، ش ۱.

۴۰- شهاب، محمد، ۱۳۹۳، « آسیب شناسی اجتماعی از رهگذر اقتصاد »، قابل دسترسی در سایت

[www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)

۴۱- غفوری چرخابی، حسین، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، بررسی آیات ربا و احکام آن، دو فصل نامه علمی و تخصصی

مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش ۳.

۴۲- محمودیان، یعقوب، بهمن ۱۳۸۵، ربا، نرخ بهره و نرخ نسیه، نشریه رسالت، ش ۶۰۸۷.

۴۳- منظور، داوود و یادی پور، مهدی، زمستان ۱۳۸۸، بررسی تطبیقی حرمت ربا در اسلام و مسیحیت، فصل نامه علمی و

پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۶.

۴۴- موسویان، سید عباس، تیر ۱۳۸۷، نظریه های ربا و بهره، فصل نامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۷، ۳۴-۱.

۴۵- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، بهار ۱۳۸۰، ثمرات فقهی و اقتصادی دفعی یا تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن، فصل نامه

تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱.

۴۶- نورائی، یوسف، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، بررسی جرم ربا در فقه و حقوق موضوعه ایران، مجله گفتمان حقوقی،

ش ۱۱.

۴۷- نوری کرمانی، محمد امیر، آذر و دی ۱۳۸۰، بررسی فلسفه حرمت ربا و اثرات کاربردی آن در بانکداری اسلامی،

مجله اندیشه حوزه، سال هفتم، ش ۳.

۴۸- نوری همدانی، حسین، دریافت دیرکرد در بانکداری، ربای محض است، روزنامه ۱۹دی، ش ۷.

### ۳- منابع انگلیسی و سایت ها

۴۹-Lewis, Mervyn K. & Algaoyd, Latifa, (۲۰۰۱), Islamic Banking, ۱<sup>st</sup> ed, UK: Edward

Elgar Publishing Limited.

۵۰-www.daneshnameh.com

۵۱-www.ghavanin.ir

۵۲-www.hoghooghman.blogfa.com

۵۳-www.isis-kh.com

۵۴-www.islamway.com

۵۵-www.pajoohe.com

۵۶-www.tebyan.net